



## علامه محمدباقر مجلسی اصفهانی

«علامه (محمد باقر) مجلسی به سال ۱۰۳۷ هجری مساوی با عدد ابجدی جمله «جامع کتب بحار الانوار» چشم به جهان گشود». [۱]  
مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب، ج ۵، ص ۱۹۶.

پدرش **مولا محمد تقی مجلسی** از شاگردان بزرگ **شیخ بهایی** و در **علوم اسلامی** از سرآمدان روزگار خود به شمار می‌رفت. وی دارای تألیفات بسیاری از جمله «**احیاء الاحادیث فی شرح تہذیب الحدیث**» است. «مادرش دختر صدرالدین محمد عاشوری» [۲]  
**تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه، ج ۱، ص ۱۵۱.**  
است که خود از پرورش یافتگان خاندان علم و فضیلت بود.

### فهرست مندرجات

- ۱ - نیاکان
- ۲ - در دامان زهد
- ۳ - تحصیلات
- ۴ - اساتید
- ۵ - تدریس
- ۶ - آثار و شاگردان
- ۷ - سخن امام خمینی پیرامون بحار الانوار
- ۷.۱ - شاگردان
- ۸ - مطالعه در روایت
- ۹ - تألیفات
- ۹.۱ - آثار عربی
- ۹.۲ - تألیفات فارسی
- ۱۰ - درایت و سیاست علامه
- ۱۱ - فعالیت‌های سیاسی
- ۱۲ - رجالت علامه مجلسی
- ۱۳ - پانویس
- ۱۴ - منبع

### نیاکان

خاندان علامه مجلسی، در اصل اهل **جیل عامل**، منطقه‌ای در **لینان** می‌باشند، که با هجرت بزرگ علمای آن دیار، به سمت ایران، این خاندان نیز وارد **ایران** شدند، اما وجه نامگذاری این خاندان به مجلسی به این دلیل بود، که پدر بزرگ علامه مجلسی بنام «ملا مقصود» از دانشمندان با **تقوا** و از مروجین مذهب **تشیع** بود، ولی به خاطر کلام زیبا و اشعار دلنشین و رفتار و گفتار نیکو در محافل و مجالس به «مجلسی» لقب یافت و خاندان عالیقدر آنان نیز به این نام، شهرت یافتند. [۳]  
تهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعه‌ای تصانیف الشیعه، ج ۹، صفحه ۹۶۶.

### در دامان زهد

در خاندانی رشد و نمو کرد که از نیمه قرن پنجم هجری به **تشیع** در میان مردم مشهور بودند و بسیاری از افراد این خانواده در قرن دهم و یازدهم از دانشمندان معروف زمان به شمار می‌رفتند. [۴]  
مهدوی، سید مصلح الدین، زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۵۳.  
پدر بزرگش «ملا مقصود» از دانشمندان با تقوا و از مروجین **مذهب تشیع** بود. وی به خاطر کلام زیبا و اشعار دلنشین و رفتار و گفتار نیکو در محافل و مجالس به «مجلسی» لقب یافته بود و خاندان عالیقدر آنان نیز بدین نام شهرت یافته بودند. [۵]  
کارنامه علامه مجلسی، ص ۱۴۵.

مرحوم علامه مجلسی، درس و بحث را از چهارده سالگی آغاز کرد، هوش سرشار و شگفت آور او به حدی بود که در چهارده سالگی از فیلسوف بزرگ اسلام مرحوم ملاصدرا، اجازه روایت گرفت. علامه مجلسی که به دانستن عشق می‌ورزید، در آنک زمانی در علوم گوناگون حوزه درسی آن زمان، مثل **صرف** و **نحو**، معانی و بیان، لغت و ریاضی، **تاریخ** و **فلسفه**، **حدیث** و **رجال**، درایه و اصول، و نیز **فقه** و کلام، به درجه استادی رسید. و در بعضی از این دانش‌ها کتب‌های سولمندی به رشته تحریر در آورد. علامه در دوران جوانی خود از محضر دانشمندان و عالمانی عالیقدر همچون: ملاعبدالله شوشتری، شیخ عبدالله بن جابر املی، شیخ علی جبل عملی و سایر بزرگان دین به ویژه فقیه و حکیم و محدث نامی ملا محسن **فیض کاشانی** (که در سفری به **اصفهان** آمده و در آن دیار ماندگار شده بود) بهره‌های کافی می‌برد.

[۱۶] سبحانی، شیخ جعفر، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۲، صفحه ۳۲۳ - ۳۵۰.

علامه مجلسی که در مدرسه ملا عبدالله به اقامه **نماز** و تدریس اشتغال داشت، بعد از **رحلت** پدر بزرگوارش در **مسجد جامع اصفهان** به اقامه نماز و تدریس مشغول گشت. میرزا عبدالله اصفهانی در کتب «**ریاض العلماء**» می‌گوید: بیش از هزار نفر در پای درس علامه حاضر می‌شدند.

## اساتید

۱. **محمد تقی مجلسی**: درس و بحث را در چهار سالگی نزد پدر آغاز کرد.

[۱۷] مهدوی، سید مصلح الدین، زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۵۵.

۲. **ملا صدرا**: نبوغ سرشار او به حدی بود «که در چهارده سالگی از **فیلسوف** بزرگ **اسلام ملا صدرا اجازه روایت** گرفت».

[۱۸] مهدوی، سید مصلح الدین، زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۴۲۶.

۳. **علامه حسن علی شوشتری**،

۴. **امیر محمد مؤمن استرآبادی**،

۵. **میرزای جزایری**،

۶. **شیخ حر عاملی**،

۷. **ملا محسن استرآبادی**،

۸. **ملا محسن فیض کاشانی**،

۹. **ملا صالح مازندرانی**.

[۱۹] یادنامه علامه مجلسی، ص ۵.

## تدریس

مجلسی که در **مدرسه ملا عبدالله** به اقامه **نماز** و تدریس اشتغال داشت بعد از **رحلت** پدر بزرگوارش در **مسجد جامع اصفهان** به اقامه **نماز** و درس دادن مشغول گشت.

[۲۰] یادنامه علامه مجلسی، ص ۵.

در پای درس او بیش از هزار **طلبه** می‌نشستند و از نور علم و معرفت دل‌های خود را جلا می‌دادند. **سید نعمت الله جزایری** که نامی‌ترین شاگرد اوست، می‌گوید:

«با آنکه در سن جوانی به سر می‌برد چنان در علوم تتبع کرده بود که احدی از علمای زمانش به آن پایه نرسیده بودند».

[۲۱] نابغه فقه و حدیث، ص ۱۴۸.

«هنگامی که در **مسجد جامع اصفهان** مردم را موعظه می‌کرد هیچ کس فصیح‌تر و خوش کلام تر از او ندیدیم. حدیثی که شب مطالعه می‌کردم چون صبح از او می‌شنیدم چنان بیان می‌کرد که گویی هرگز آن را نشنیده‌ام».

[۲۲] مهدوی، سید مصلح الدین، زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۴۸.

تواضع و بزرگمنشی او چنان بود که بسیاری از بزرگان حوزه برای نشان دادن ارادت خود به او و شناساندن ارزش علامه به طلاب جوان گاهی به پای درس ایشان حاضر می‌شدند.

«**شیخ محمد فاضل** - با اینکه مجلس درس و مباحثه داشت. به حوزه درس علامه حاضر می‌شد و عملاً به طلاب درس تواضع می‌آموخت و علامه نیز در مقابل به شاگردانش اظهار می‌داشت استفاده او از من کمتر از استفاده من از اوست بلکه استفاده من از او بیشتر است».

[۲۳] مهدوی، سید مصلح الدین، زندگینامه علامه مجلسی، ص ۶۶.

## آثار و شاگردان

از جمله شاگردان برجسته علامه می‌توان به بزرگانی چون: سید نعمت الله جزایری، عبدالله بن عیسی التبریزی معروف به افندی، سید محمد صالح بن عبدالواسع خاتون آبادی، ملا محمد کاظم شوشتری، عبدالحسین مازندرانی، ملا محمد باقر لاهیجی و... نام برد که بعدها هر یک ستاره‌های درخشان در **اسمان** علم و **فقاہت** بودند.

[۲۴] سبحانی، شیخ جعفر، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۲، صفحه ۳۵۱.

علامه از همان آغاز جوانی تمام زندگی خود را وقف احیای علوم نقلی (آیلت و روایت) کرد و در اولین گام کتب اربعه را به درس و بحث حوزه‌های علمیه آن زمان کشاند. ضمن نگاشتن شرحی بر «**اصول کافی**» و «**التهدیب**» یکی از شاگردانش را به نوشتن شرح «**استبصار**» تشویق کرد.

[۲۵] امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۹، صفحه ۱۸۴ - ۱۸۳.

علامه در مقدمه **بحار الانوار** چنین می‌نگارد: «در آغاز کار به مطالعه کتب‌های معروف و متداول پرداختم و بعد از آن به کتابهای دیگر که در طی اعصار گذشته به علل مختلف

متروک و مهجور مانده بود رو آوردم. هر جا که نسخه حدیثی بود سراغ گرفتم. و به هر قیمتی که ممکن شد، بهره برداری می‌کردم. **شرق** و **غرب** را جویا گشتم تا نسخه‌های بسیاری را گردآوری نمودم. در این امر مهم جماعتی از برادران دینی مرا یاری نمودند و به شهرها و قصبه‌ها و بلاد دور سر کشیدند تا به فضل الهی مصادر لازم را به دست آورند... بعد از تصحیح و تنقیح کتابها بر محتوای آنها واقف شدم، نظم و ترتیب کتابها را نامناسب دیدم و دسته بندی احادیث را در فصلها و ابواب متنوع راهگشای محققان و پژوهشگران نیافتم، از این رو به ترتیب فهرستی همت گماشتم که از هر جهت جالب و مفید باشد. در سال ۱۰۷۰ هجری از فهرست بندی سایر کتابها دست کشیدم که اقبال عمومی را مطلوب ندیدم و سرانجامه را فاسد و نامطبوع دیدم... ترسیم که در روزگاری بعد از من باز هم نسخه‌های تکثیر شده من در طاق نسیان متروک و مهجور شود و یا مصیبتی از ستم غارتگران زحمت مرا در تهیه نسخه‌های بر باد دهد، لذا راه خود را عوض کردم، از خدا یاری طلبیدم و به کتب بحار الانوار پرداختم...»

[۱۶] خراسانی، عطایی، کارنامه علامه مجلسی، صفحه ۵۱.

«... در نظر دارم که اگر **مرگ** مهلت دهد و **فضل الهی** مساعدت نماید، شرح کاملی متضمن بر بسیاری از مقاصد که در مصنفات سایر علما باشد بر آن «بحار الانوار» بنویسیم و برای استفاده خرمندان، قلم را به قدر کافی پیرامون آن به گردش درآورم.

[۱۷] خراسانی، عطایی، کارنامه علامه مجلسی، صفحه ۵۱.

## سخن امام خمینی پیرامون بحار الانوار

«بحار خزانه‌ی همه‌ی اخباری است که به پیشوایان اسلام نسبت داده شده، چه درست باشد یا نادرست، در آن کتابهایی هست که خود صاحب بحار آن‌ها را درست نمی‌داند و او نخواست کتب علمی بنویسد، تا کسی اشکال کند که چرا این کتابها را فراهم کردی!

[۱۸] خمینی، روح الله، کشف الاسرار، صفحه ۲۵۰.

## ← شاگردان

۱. **مولی ابراهیم جیلانی**
۲. **مولی محمد ابراهیم بواناتی**
۳. **میرزا ابراهیم حسینی نیشابوری**
۴. **ابوالبرکت بن محمد اسماعیل خادم مشهدی**
۵. **مولی ابوالبقاء**
۶. **ابو اشرف اصفهانی**
۷. **مولی محمد باقر جزوی**
۸. **ملا محمد باقر لاهیجی**
۹. **شیخ بهاءالدین کاشی**
۱۰. **مولی محمد تقی رازی**
۱۱. **میرزا محمد تقی الماسی**
۱۲. **مولی حبیب الله نصرآبادی**
۱۳. **ملا حسین تفرشی**
۱۴. **محمد رضا اردبیلی**
۱۵. **محمد طاهر اصفهانی**
۱۶. **عبدالحسین مازندرانی**
۱۷. **سید عزیز الله جزائری**
۱۸. **ملا محمد کاظم شوشتری**
۱۹. **شیخ بهاءالدین محمد جلیلی**
۲۰. **مولی محمود طبسی**
۲۱. **محمد یوسف قرظینی**
۲۲. **سید نعمت الله جزائری**

[۱۹] مهدوی، سید مصلح الدین، زنگنه‌نامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۴

[۲۰] مهدوی، سید مصلح الدین، زنگنه‌نامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۱۱۵.

(نویسنده محترم آن کتاب به نام ۱۸۱ نفر از شاگردان و مجازین علامه اشاره کرده است.)

## مطالعه در روایت

علامه در مسیر **احیای علوم اهل بیت** - علیهم السلام - راه استدلال فیض را در پیش گرفت و در اولین قدم «**کتب اربعه**» را به صحنه درس و بحث کشاند. «ضمن نگاشتن شرح بر **اصول کافی** و **تذییب**، از شرح «**من لایحضره الفقیه**»، که پدرش بر آن شرحی نگاشته بود، خودداری کرد و یکی از شاگردانش را به نوشتن شرح **استنبصار** تشویق نمود».

[۲۱] حر عاملی، الامل الامال، ج ۲، ص ۲۴۸.

وی **طلاب** را که مدتها از **روایت** و **احادیث** جدا بودند به مطالعه و تحقیق در **روایت** تشویق کرد و برای حفظ و نگهداری کتب اربعه از گزند حوادث روزگار و تحویل دادن آنها به نسل فردا بدون هیچ گونه کم و کاستی و تحریف اعلام کرد «اگر هر یک از **طلاب کتب اربعه** را بنویسد، به دریافت یک اجازه از او نایل خواهند شد. **طلاب** با شوق تمام به نوشتن **کتب اربعه** پرداختند و نسخه‌ها را نزد علامه می‌بردند و او با خط خود در پشت نسخه‌های آنها اجازه آنان را می‌نوشت».

[۲۲] یادنامه علامه مجلسی، ص ۲۶.

علامه با خود می‌اندیشید که تدریس **کتب اربعه** و توجه به بعضی از دیگر کتابها چون «**ارشاد مفید**»، «**قواعد علامه**» و «**صحیفه سجادیه**»، تنها این کتب را از خطر نابودی نجات خواهد داد اما برای کتب دیگر چه باید کرد؟ اندیشه درباره هزاران کتب **شیعه** که در کورهای حمام یغماگران و فرهنگ کشان به خاکستر تبدیل شده بود و نیز صدها نسخه کوچک و بزرگ **روایت** که از حوادث روزگار مصون مانده یا در کنج صندوقخانه‌ها پنهان شده بود و یا آنها را به نقاط دور دست دنیا کشیده بودند او را آزار می‌داد. از سوی دیگر **تعصب خشک اهل سنت** در نابودی ذخیره‌های گرانمای **تشیع** و احتمال سقوط **دولت صفویه** به دست دو قدرت بزرگ شرق و غرب **اهل تسنن** و نفوذ قدرتمندان **صوفیان** در دربار و جامعه و نقشه‌های

آنان برای **تحریف** بسیاری از **روایات**، بی‌توجهی **طلاب** به کتب **روایت** و **احادیث** بیش از پیش آثار **اهل بیت** را در معرض خطر نابودی قرار داده بود. از این رو تلاش همه‌جانبه‌ای برای به دست آوردن آثار **تشیع** آغاز کرد به گونه‌ای که او در این تلاش وسیع دویست اصل (و منبع مکتوب) از **اصول چهار صدگانه معتبر شیعه** را به دست آورد و نفیس‌ترین کتابخانه **تشیع** را گرد آورد. حتی در زمانی که به علامه خیر دادند که نسخه کتب «مدینه‌العلم» در یکی از کتابخانه‌های **پمن** به چشم خورده است علامه این مطلب را با شاه در میان گذاشت. شاه سفیرانی را با هدایای فراوان و گرانبها نزد پادشاه پمن روانه آن کشور کرد و از او کتب «مدینه‌العلم» را درخواست نمود اما هیچ‌گاه آن کتب به دلایل نامعلوم به دست علامه نرسید.

[۲۳] امین، سید محسن، اعیان‌الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۳.

علامه در ادامه کارهای فکری - فرهنگی خود بسیاری از کتب گذشتگان را که علما در مسائل گوناگون نگاشته بودند احیا کرد و **طلاب** را به نسخه‌برداری از آنها تشویق و ترغیب نمود و کتابهایی که غبار غربت آنها را فرا گرفته و کسی آن را نمی‌شناخت و مطالعه نمی‌کرد با دستخط مبارکش در زیر آن می‌نوشت که این کتب غریب مانده و کسی آن را نمی‌خواند».

[۲۴] زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۱۷.

## تألیفات

با توجه به نیاز فرهنگی مردم زمان خود دست به تألیف کتابهای گوناگونی می‌زد. زمانی احساس می‌کرد مردم به علم نجوم نیاز مندند، پس کتب «اختیارات» را می‌نوشت. و چون احساس می‌کرد جامعه به سوی جدا شدن از خدا سوق داده می‌شود، کتابی در **تهذیب اخلاق** چون «عین‌الحیاء» را می‌نوشت. آثار فارسی او به سود دین و دنیای مردم بود و زمینه هدایت مردم را فراهم می‌ساخت. کمتر خانهای از **شیعیان** بود که از کتابهای وی در آن یافت نشده و مورد بهره‌وری قرار نگرفته باشند. کتابهای او چنان بود که **عرب و فارسی، جاهل و عارف** مردان و زنان و حتی کودکان هم استفاده می‌کردند. تألیفات فارسی او عبارتند از: حق‌الیقین، عین‌الحیاء، حلیه‌المتقین، حیوة‌القلوب، مشکوة‌الانوار، جلاء‌العیون، زادالمعاد، تحفة‌الزائر، مقیاس‌المصابیح (علامه جلد ۲۲ بحار‌الانوار را در مراجعت از حج در نجف اشرف تألیف کرد. و در مراجعت از سفر خراسان در بین راه ترجمه خطبه امام رضا علیه‌السلام و رساله و جیزه رجب را نگاشت.

[۲۵] افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، تعلیقه امل‌الامل، صفحه ۲۵۰.

## ← آثار عربی

۱. بحار‌الانوار
۱۲. ملاذ‌الاکابر فی شرح‌التهذیب.
۳. شرح اربعین.
۴. الوجیزة فی الرجال.
۵. الفوائد الطریقة فی شرح‌الصحیفة السجادیة.
۶. رساله‌الاوزان.
۷. المسائل‌الهندیة.
۸. رساله‌اعتقادات (۷۵۰ سطر است و در یک شب نگاشته شده است)
۹. رساله فی الشکوک.
۱۰. مرأة‌العقول فی شرح‌اخبار‌الرسول. در شرح‌اصول‌کافی.

## ← تألیفات فارسی

۱. حق‌الیقین
  ۲. عین‌الحیاء
  ۳. حلیة‌المتقین
  ۴. حیوة‌القلوب
  ۵. مشکوة‌الانوار
  ۶. جلاء‌العیون
  ۷. زاد‌المعاد
  ۸. تحفة‌الزائر
  ۹. مقایس‌المصابیح
  ۱۰. ربیع‌الاسابیح
  ۱۱. رساله در شکوک
  ۱۲. رساله دیلت
  ۱۳. رساله در اوقلت
  ۱۴. رساله در جفر
  ۱۵. رساله در بهشت و دوزخ
  ۱۶. رساله اختیارات ایام
  ۱۷. ترجمه عهدنامه امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - به مالک اشتر
  ۱۸. مشکوة‌الانوار در آداب قرأت قرآن و دعا
  ۱۹. شرح دعای جوشن کبیر
  ۲۰. رساله در رجعت
  ۲۱. رساله در آداب نماز
  ۲۲. رساله در زکوة
- و بیش از ۳۰ رساله دیگر در مسائل مختلف و ترجمه دعاها و کتابهایی مختصر در عقاید و احکام.

علامه مجلسی قهرمان عرصه سیاست است اما به موجب کینه‌روزی و عناد مستشرقان و روشنفکران غربزده همچنان مظلوم تاریخ سیاست است. «علامه پس از فوت مرحوم ملا محمد باقر سبزواری در سال ۱۰۹۰ هجری به منصب شیخ الاسلامی دست یافت»

[۲۶] یادنامه علامه مجلسی، ص ۲۶.  
و در این مسند خدمت بسیاری را در مقوله‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی به ایران و تشیع نمود. بزرگترین کار علامه مجلسی در صحنه سیاست که به نفع تشیع و مکتب آن ختم شد مبارزه با صوفیان بود. علامه مجلسی در دوایر دولتی و همچنین نظامهای مختلف اداری از قدرت آنها کاست. او در خصوص این گروه که «فقط در اصفهان بیست و یک تکیه و خانقاه و زاویه داشتند» در رساله اعتقادات می‌نویسد: «اینک من به طور اجمال برای شما می‌نویسم و بیان می‌کنم چیزهایی را که برای خودم از اصول مذهب به وسیله اخبار کثیره متواتره ظاهر شده است تا گمراه نشوید و به خدعه‌ها و فریبها و غرورهای صوفیه فریب داده نشوید و حجت خدا را بر شما تمام می‌کنم»

[۲۷] ترجمه اعتقادات علامه مجلسی، ص ۷۸.  
علامه علاوه بر مبارزه با صوفیان با کشیشان دربار، بیگانگان، نمایندگان مؤسست و شرکتهای غربی به مبارزه با بت پرستان پرداخت. «روزی به علامه مجلسی خبر دادند که بت پرستان در شهر اصفهان در خانه‌های بتی قرار داده‌اند و برای نیایش و پرستش آن بت به آن خانه می‌روند. علامه بعد از تحقیق و آگاه شدن از محل بت فتوای خراب کردن آن را صادر کرد»

[۲۸] موسوی خوانساری، میرزا محمد باقر، روضت الجنت، ج ۲، ص ۷۹.

پس از مرگ شاه سلیمان درباریان و خواجه سراین، حسین میرزا (سلطان حسین) را که مورد علاقه مریم بیگم عمه شاه بود بر تخت نشانند.

«شاه در وقت تاج گذاری به صوفیان اجازه نداد چنانچه مرسوم بود شمشیر را به کمر او ببندند و علامه مجلسی را پیش خواند و درخواست کرد که این تشریفات را او انجام دهد»

[۲۹] لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۴۳.

علامه مجلسی در تالار آینه این مراسم را انجام داد. «شاه رو به علامه کرد و گفت: به ازای این خدمت چه تقاضایی داری و چه پاداشی می‌طلبی؟»

[۳۰] لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۴۳.

علامه که «شاه جوانی را می‌دید که حتی در وقت تکیه زدن بر تخت سلطنت قادر به سوار شدن به اسب نبود»

[۳۱] لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۳۹.

جوان تر و ساده‌اندیش‌تر از آن می‌دانست که بتواند کشتی این سرزمین را به ساحل برساند از این رو از شاه چیزی را خواست که در ذهن هیچ یک از حاضران حتی علمای آن زمان نقش نبسته بود. چیزی را گفت که عظمت روح بلند و دیدگاه وسیع سیاسی او را نشان داد. وی بر سه نکته تأکید ورزید. سه نکته‌ای که ملتهای بزرگ با آرمانهای متعالی را به زانو در می‌آورد و غبار نلت و خواری را بر پرچمشان می‌نشانند:

«فساد، تفرقه و بی‌تفاوتی نسل جوان!» پس «رو به شاه کرد و گفت: تقاضا دارم شاه فرمانی صادر کند و نوشیدن مسکرات، جنگ میان فرقه‌ها، همچنین کیوتربازی را نهی فرماید.

شاه با رضایت خاطر پذیرفت و فوری فرمانی را به همان مضمون صادر کرد.»

[۳۲] لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۴۳.

«علامه همچنین او را ترغیب کرد که فرمانی دیگر برای طرد صوفیان از شهر امضا کند.»

[۳۳] لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۴۳.

این پیروزی بزرگی برای علامه مجلسی و نجلت ایران در آن وضعیت حساس بود که در غرب عثمانیها، در شرق از بکها، در جنوب شرقی گورکانی ها و در شمال روسها و در جنوب شرکتهای هلندی و هند شرقی چشم طمع به آن دوخته بود.

اما در این میان رشته خیانت از دست خواجه سراین و درباریان که به دنبال عیش و نوش و راحت طلبی بودند بیرون آمد و با توطئه مریم بیگم (عمه شاه) شاه را به دامان میخوارگی و نلت جویی سوق دادند و عملاً قدرت را از علامه مجلسی گرفتند و کشور رو به ضعف نهاد، نکته مهمی که در سیاست علامه مجلسی در دربار به چشم می‌خورد این است که در زمان علامه مجلسی هیچ برخوردی بین ایران و همسایگان اهل سنت رخ نداد و به هیچ یک از ولایتهای اهل تسنن ایران از سوی شیعیان تعدی نشد و ایران در کمال آرامش به سر برد. اما هنگامی که علامه مجلسی در ۲۷ رمضان ۱۱۱۱ ق. چشم از جهان فرو بست شمارش معکوس سقوط دولت صفویه آغاز شد و «در همان سال ولایت قندهار سقوط کرد».

[۳۴] تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۲۰۵.

## فعالیت‌های سیاسی

علامه مجلسی، قهرمان عرصه سیاست است. علامه بعد از فوت مرحوم محمد باقر سبزواری در سال ۱۰۹۰ هجری به منصب شیخ الاسلامی دست یافت. و در این منصب، خدمت بسیاری را در مقوله‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی به ایران و تشیع نمود، بزرگترین کار علامه مجلسی در صحنه ی سیاست که به نفع تشیع و مکتب آن ختم شد، مبارزه با صوفیان بود.

[۳۵] امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۹، صفحه ۱۸۴.

پس از مرگ شاه سلیمان درباریان و خواجه سراین، حسین میرزا (سلطان حسین) را که مورد علاقه "مریم بیگم" عمه شاه بود، بر تخت نشانند. نفوذ علامه مجلسی در دربار به حدی بود که "سلطان حسین" اجازه نداد صوفیان رسم بستن شمشیر به کمر شاه را انجام دهند و از علامه مجلسی خواست تا این کار را انجام دهد. پس از اتمام کار، شاه رو به علامه کرد و گفت:

به ازای این خدمت چه تقاضایی داری و چه پاداشی می‌طلبی؟

علامه گفت:

تقاضا دارم شاه فرمانی صادر کند و نوشیدن مسکرات، جنگ میان فرقه‌ها، و کیوتربازی را نهی فرماید.

و شاه پذیرفت و او را ترغیب به طرد صوفیان از شهر کرد. نکته مهم در سیاست علامه در دربار این است که در زمان علامه هیچ برخوردی بین ایران و همسایگان اهل سنت رخ نداد و به هیچ یک از ولایتهای اهل سنت ایران از سوی شیعیان تعدی نشد.

هنگامی که او در ۲۷ رمضان ۱۱۱۱ (ه.ق)، چشم از جهان فرو بست، شمارش معکوس سقوط دولت صفویه آغاز شد.

[۲۶] مهدوی، مصلح الدین، زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۲، صفحه ۵۰.

پیکر پاکش را در کنار مسجد جامع اصفهان و جنب پدر علامه اش ملا محمد تقی مجلسی رحمة الله علیه به خاک سپردند. به همین مناسبت، شهر [اصفهان](#) یک هفته به سوگ نشست و مجالس عزاداری او مدت‌ها ادامه داشت.

[۲۷] [تهرانی، آقابزرگ، الذریعه‌ای تصانیف الشیعه، ج ۱، صفحه ۱۶.](#)

پانویس

۱. [↑](#) مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب، ج ۵، ص ۱۹۶.
۲. [↑](#) [تهرانی، آقابزرگ، الذریعه، ج ۱، ص ۱۵۱.](#)
۳. [↑](#) [تهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعه‌ای تصانیف الشیعه، ج ۹، صفحه ۹۶۶.](#)
۴. [↑](#) [مهدوی، سید مصلح الدین، زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۵۳.](#)
۵. [↑](#) [کارنامه علامه مجلسی، ص ۱۴۵.](#)
۶. [↑](#) [سبحانی، شیخ جعفر، موسوعه طریقت الفقهاء، ج ۱۲، صفحه ۳۲۳ - ۳۵۰.](#)
۷. [↑](#) [مهدوی، سید مصلح الدین، زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۵۵.](#)
۸. [↑](#) [مهدوی، سید مصلح الدین، زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۲۶.](#)
۹. [↑](#) [یادنامه علامه مجلسی، ص ۵.](#)
۱۰. [↑](#) [یادنامه علامه مجلسی، ص ۵.](#)
۱۱. [↑](#) [نایغه فقه و حدیث، ص ۱۴۸.](#)
۱۲. [↑](#) [مهدوی، سید مصلح الدین، زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۴۸.](#)
۱۳. [↑](#) [مهدوی، سید مصلح الدین، زندگی‌نامه علامه مجلسی، ص ۶۶.](#)
۱۴. [↑](#) [سبحانی، شیخ جعفر، موسوعه طریقت الفقهاء، ج ۱۲، صفحه ۳۵۱.](#)
۱۵. [↑](#) [امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۹، صفحه ۱۸۴ - ۱۸۳.](#)
۱۶. [↑](#) [خراسانی، عطایی، کارنامه علامه مجلسی، صفحه ۵۱.](#)
۱۷. [↑](#) [خراسانی، عطایی، کارنامه علامه مجلسی، صفحه ۵۱.](#)
۱۸. [↑](#) [خمینی، روح الله، کشف الاسرار، صفحه ۲۵۰.](#)
۱۹. [↑](#) [مهدوی، سید مصلح الدین، زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۴.](#)
۲۰. [↑](#) [مهدوی، سید مصلح الدین، زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۱۱۵.](#)
۲۱. [↑](#) [حر عاملی، الامل الامل، ج ۲، ص ۲۴۸.](#)
۲۲. [↑](#) [یادنامه علامه مجلسی، ص ۲۶.](#)
۲۳. [↑](#) [امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۳.](#)
۲۴. [↑](#) [زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۱۷.](#)
۲۵. [↑](#) [افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، تعلیقه امل الامل، صفحه ۲۵۰.](#)
۲۶. [↑](#) [یادنامه علامه مجلسی، ص ۲۶.](#)
۲۷. [↑](#) [ترجمه اعتقادات علامه مجلسی، ص ۷۸.](#)
۲۸. [↑](#) [موسوی خوانساری، میرزا محمد باقر، روضت الجنات، ج ۲، ص ۷۹.](#)
۲۹. [↑](#) [لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۴۳.](#)
۳۰. [↑](#) [لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۴۳.](#)
۳۱. [↑](#) [لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۳۹.](#)
۳۲. [↑](#) [لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۴۳.](#)
۳۳. [↑](#) [لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۴۳.](#)
۳۴. [↑](#) [تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۲۰۵.](#)
۳۵. [↑](#) [امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۹، صفحه ۱۸۴.](#)
۳۶. [↑](#) [مهدوی، مصلح الدین، زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۲، صفحه ۵۰.](#)
۳۷. [↑](#) [تهرانی، آقابزرگ، الذریعه‌ای تصانیف الشیعه، ج ۱، صفحه ۱۶.](#)

منبع

سایت پژوهی، برگرفته از مقاله «محمد باقر مجلسی». | [سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «محمد باقر مجلسی».](#)

